

زندگی تلخ ۴۰ میلیون برده قرن ۲۱

مروری بر کارهای «لیزا کریستین»، عکاس انسان دوستی که چند سال است تمام در گوشه و کنار جهان کرده است

نرگس عزیزی | روزنامه نگار

پرونده

شنیدن کلماتی چون برده و برده داری شمارا یاد چه چیزهایی می اندازد؟ شاید شما هم مانند بسیاری با شنیدن این اصطلاحات یاد داستان پر غصه سال ها قبل برده های آفریقایی تبار در آمریکا بیفتید. در این پرونده اما قصد داریم شمارا با مفهوم جدید از برده داری آشنا کنیم. داستان برده هایی که در ست همین الان، در گوشه و کنار این جهان بدون دریافت دستمزد برای ساعتی طولانی کارهای طاقت فرسا انجام می دهند. طبق جدیدترین بررسی ها و گزارش های جهانی، جمعیت این برده ها حدود ۴۰ میلیون نفر است و شامل افرادی می شود که چاره ای جز انجام کارهای سنگین اجباری و بدون دستمزد ندارند یا افرادی که با اجبار ناچار از ارائه خدمات جنسی هستند. برآورده می شود که حدود یک چهارم جمعیت برده ها را کودکان تشکیل می دهند. بالاترین تراکم برده ها در قاره آفریقا و سپس جنوب آسیا است. برای آشنایی با داستان پر غصه این برده ها که متأسفانه در یاره آن ها بسیار کم صحبت می شود، سراغ کارهای عکاسی رفتیم که چند سال است با سفر به کشورهای مختلف به عکاسی از این برده ها پرداخته و در تلاش است با آگاهی بخشی بیشتر در خصوص وضعیت آن ها، برای رهایی این برده ها توجه مردم دنیا را به آن ها جلب و کمک های بیشتری برای شان جمع آوری کند.

چرا «کریستین» به دنبال چنین گزارش هایی می رود؟

لیزا کریستین، عکاس، سخنران و فعال حقوق بشر طبق گفته های خودش تا سال ۲۰۰۹ اطلاع دقیقی درباره گسترده بودن برده داری نداشت. در این سال بود که او با سازمان مردم نهادی که برای آزادی برده ها تلاش می کرد، آشنا شد. خود او می گوید من چیزهایی درباره برده داری شنیده بودم اما از گستردگی موضوع هیچ تصویری نداشتیم. وقتی آمار مربوط را شنیدم، جا خوردم. بعد با خودم فکر کردم، وقتی من از چنین موضوعی بی خبرم پس اصلا چه افرادی از این موضوع اطلاع دارند؟ بعد از این ماجراها بود که لیزا، عکاسی از برده ها را در برنامه های خود گنجانده و تصمیم گرفت با سفر به نقاط مختلف جهان هر سختی را به جان بخرد تا گزارش هایی تکان دهنده از این ماجرا آماده و منتشر کند. در این مطلب، داستان های عجیب و غریب و بعضا شوکه کننده او از حضور در چهار مکان و عکس هایش را با هم مرور می کنیم.

قائم شدن در زمان حضور صاحب برده ها!

البته حضور در این مکان ها برای خود لیزا نیز خطرانی به دنبال داشته و دارد: «برای عکاسی به تونل های زیر زمین رفته بودم که گفتند صاحب برده ها آمده است. من را مجبور کردند در دالان های زیر زمین قائم شوم تا او برود. بعد از این که او معدن را ترک کرد، من توانستم به سطح زمین برگردم. من بیرون آمدم اما مردان زیادی ناچار از ماندن در زیر زمین هستند. آن ها گاهی تا ۷۲ ساعت زیر زمین می مانند چرا که تنها زمانی حق خروج از تونل را دارند که کیسه شان پر شده باشد.» لیزا توصیف می کند که این معدن چنان در زمان خروج چشم هایی قرمز و خسته داشته اند؛ چشم هایی که در برخی عکس های لیزا به چشم می آیند.

کاری که با خروج از معدن تمام نمی شود!

شاید باور نکنید اما دشواری کار برده ها با خروج از دالان تمام نمی شود. روی زمین نیز شرایط غیر قابل تصویری حکم فرماست: «کیسه های سنگین پر از سنگ باید تا محل خرد کردن سنگ ها برده می شد. علاوه بر آن زمین منطقه پر از چاله های آب بود. چاله های بزرگ و کوچک، یکی از آن ها به اندازه زمین فوتبال بود. در تمامی این چاله ها برده ها مشغول کار بودند. بسیاری از زنان برده، کودکان شان را به پشت بسته بودند و کار می کردند. آن ها در آب آلوده به جیوه کار می کردند؛ جیوه ای که در فرایند استخراج طلا کاربرد دارد.»



عکسی از «کریستین» در معدن طلا

ماهیگیری به شاخه های درختان خشکیده داخل آب گیر می کند. ارباب ها کودکان خسته و وحشت زده

را برای آزاد کردن تورها داخل آب پرت می کنند. آن ها شانمی دارند و در نتیجه بسیاری غرق می شوند، اما این خطرات تمام داستان زندگی دشوار این کودکان نیست.

کار کردن کودکان از یک شب تا ۵ صبح

لیزا در ادامه از کودکانی می گوید که ساعت ۵ صبح آن ها را دیده است: «من این بچه ها را ۵ صبح دیدم. از ساعت یک شب قبل در هوایی سرد و بادی، آن ها مشغول کار بودند. تورهای ماهیگیری آن ها، وقتی پر از ماهی باشد، گاهی بالای ۴۰۰ کیلو وزن دارد و کودکان باید آن ها را با کمک یکدیگر از آب بیرون بکشند و گرنه معلوم نیست که چه سرنوشتی در انتظارشان باشد.»

ماهیگیری در غنا

وقتی تورهای ماهیگیری به شاخه های درختان خشکیده داخل آب گیر می کند، ارباب ها کودکان خسته و وحشت زده را برای آزاد کردن تورها داخل آب پرت می کنند، کودکانی که شنا بلد نیستند



ماهیگیری یکی از صنایع مهم غناست. برآورد می شود که حدود ۲۰ هزار کودک در این صنعت به شکل برده کار می کنند. طبق گزارش سی ان ان، این کودکان در ازای ۲۵۰ تا ۵۰۰ دلار از خانواده هایشان خریداری می شوند تا در مقابل

خواهش لیزا از مردم دنیا

«لیزا» بارها در سخنرانی ها و نوشته هایش از مردم دعوت کرده که به چشمان افراد حاضر در عکس هایش خیره شوند و شباهت های بین خود و آن ها را کشف کنند. او معتقد است اگر ما همدیگر را به عنوان هم نوع ببینیم، دیگر شرایطی چون بردگی توسط گروهی از خود را نخواهیم پذیرفت. او در پروژه های عکاسی با محوریت برده داری، تعدادی شمع همراه خود برده و در زمان مناسب، وقتی که برای برده ها در سری ایجاد نمی شده، شمع ها را به دست افراد داده و از آن ها عکاسی کرده است. شعار لیزا برای این بخش از کارش، «نوری بتابان» است. او معتقد است آگاهی بخشی و صحبت درباره این واقعیت تلخ، این امکان را می دهد که بتوانیم بهتر با آن مبارزه کنیم و البته سازمان های ضد برده داری با انرژی بیشتری افراد را نجات دهند.

ZENDEGI-SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

سه شنبه ۸ بهمن ۱۳۹۸
۲ جمادی الثانی ۱۴۴۱
۲۸ ژانویه ۲۰۲۰
شماره ۲۰۳۰۵

۱۵۲۶



آجریزی در نپال

مردن و حتی کودکان تا ۱۸ آجر را روی سر خود قرار می دادند و آجرها را از کوره ها تا کامیون ها که چند صد متر آن طرف تر بودند، حمل می کردند

نشسته بودم، فکر کردم که دور بین من مراقبت بهتری در مقایسه با این مردم دریافت می کند! وقتی به کوره ها باز گشتم، می خواستم گریه کنم اما فردی که از موسسه ضد برده داری همراه من بود، گفت لیزا لطفا گریه نکن! این جا گریه نکن! بعد برای من به روشنی توضیح داد که نمایش احساسات در این مکان ها بسیار خطرناک است. نه فقط برای من که برای افرادی که مشغول کارند نیز خطرناک است.»

کمک به آن ها شرایط شان را بدتر می کند

لیزا به عنوان نکته پایانی درباره این گزارش گفته: «من امکان پیشنهاد هیچ کمکی را به این افراد نداشتم. حق دادن پول به آن ها را نداشتم. من شهروند این کشور هان بودم. انتخابی غلط از سوی من می توانست وضعیت آن ها را بدتر کند. من باید به سازمان آزادی بردگان که درون سیستم در حال تلاش برای کمک به آن ها بود اعتماد می کردم. احساساتم و دل شکستگی ام هم باید تا زمان رسیدن به خانه، منتظر می ماندند.»



می خواستم گریه کنم اما گفتند که بسیار خطرناک است

لیزا درباره توجه به برده ها در این کشور ها گفته: «وقتی آن جا بودم، گرما آن قدر شدید بود که دوربین عکاسی من داغ کرد، نه می شد به آن دست زد و نه می شد با آن کار کرد. هر ۲۰ دقیقه یک بار من به خورویی که با آن آمده بودم، بر می گشتم. داخل آن می نشستیم، وسایلم را تمیز می کردم و صبر می کردم تا باریاد کولر وسایل خنک شوند تا بتوانم دوبار به آن ها کار کنم. یادم هست زمانی که آن جا

نساجی در هند

اعضای یک خانواده را دیدم که الیاف ابریشمی را با دست هایشان در حالی که تا از نخ در بشکه ها فرو رفته، رنگ می کنند، رنگ هایی که سمی اند

انتقادهای در زمینه صنعت نساجی طی سال های اخیر شدت گرفته است. طبق گزارش بنیاد ماینردو در خصوص وضعیت برده داری در جهان در سال ۲۰۱۸، صنعت نساجی و پوشاک رتبه دوم در استفاده از بردگان را دارد. این وضعیت بیشتر در کشورهای جنوب آسیا و هند دیده می شود. لیزا کریستین در یکی از سفرهایش به روستایی در هند رفته و از کارگاه رنگرزی الیاف ابریشمی عکاسی کرده است.

هنوز امیدواریم که روزی آزاد شویم

توصیف لیزا از شرایط افراد در این کارگاه، تکان دهنده است؛ افرادی که بدون دریافت

